

## عصبیت؛ مؤلفه‌ای اصلی در ایجاد حس تعلق و مطلوبیت فضای زیستی از دیدگاه ابن خلدون\*

محمد نقی زاده<sup>۱</sup>، سعیده محتشم امیری<sup>۲</sup>\*

<sup>۱</sup> استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران  
<sup>۲</sup> دکترای شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۲

### چکیده

ابن خلدون دانشمند مسلمان قرن هشتم هجری در کتاب ارزشمند خویش المقدمه، به مباحثی مهم از جمله بررسی ویژگی‌های شهر، روند شهرنشینی، اخلاق شهروندی، تحلیل ارتباط انسان با محیط، صفات شهر مطلوب و مطالب حائز اهمیت دیگری اشاره کرده است که می‌توان با مطالعه دقیق و تخصصی از آن‌ها بهره جست. متأسفانه آرا و نظریه‌های منحصر به فرد وی در باب شهرنشینی تا حد زیادی از دید محققان این رشته مغفول مانده است. نظریه‌های او برای دست‌یابی به الگوی شهر اسلامی می‌تواند به عنوان یکی از منابع بنیادی در جهت یافتن صفات شهر مطلوب اسلامی قلمداد شود و مورد پژوهش علمی قرار گیرد. این مقاله به یکی از مؤلفه‌های مهم رشد و توسعه شهر از دیدگاه ابن خلدون پرداخته است. واژه «عصبیت» برای نخستین بار به عنوان عاملی برای تقویت حس مشارکت‌های اجتماعی مردم در فضاهای زیستی توسط این حکیم مسلمان بیان شد. این مفهوم در بطن خویش معانی گسترده‌ای را در بر دارد؛ از جمله همبستگی اجتماعی، احساس وحدت، حمایت گروهی، وجدان جمعی و موارد بی‌شمار دیگر که می‌تواند به عنوان یکی از اساسی‌ترین خصوصیات شهر مطلوب برای دست‌یابی به اجتماعی پایدار در نظر گرفته شود. در این پژوهش که از نوع بنیادی و کیفی است و از روش‌های تفسیری، اکتشافی و منابع اسنادی بهره برده شده، اهمیت بحث همبستگی اجتماعی (عصبیت)، معنای دقیق و مصادیق ظهور آن در شهر به عنوان عاملی برای تحرک، پویایی و رشد اجتماعی و تأثیر ویژه آن در رشد و توسعه شهر مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ابن خلدون، عصبیت، همبستگی اجتماعی، توسعه‌ی شهر، مطلوبیت شهر.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته شهرسازی سعیده محتشم امیری، با عنوان «بررسی و تحلیل ویژگی‌های شهر مطلوب در آراء حکمای مسلمان» است که به راهنمایی دکتر محمد نقی زاده و دکتر بهناز امین‌زاده، و مشاوره دکتر محمدرضا ریخته‌گران، در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، در سال ۱۳۹۲ انجام شده است.

\*\* E-Mail: s\_mohtashamamiri@yahoo.com

عصر حاضر داشت» (لاکوست، ۱۳۸۵: ۶). جامعه‌شناس اتریشی، لودویگ گومپلویچ<sup>۳</sup> می‌گوید: «ابن خلدون را باید به معنای تمام کلمه، متفکری امروزی دانست» (ابن خلدون ج ۱، ۱۳۸۸: ۳۴).

برای رسیدن به الگوی شهر اسلامی یکی از اولین گام‌ها تدوین مبانی نظری در این باب است که برای تدوین معیارها نیز بدون شک یکی از اولین راه‌حل‌ها شناسایی و مطالعه آثار ارزشمند حکمای مسلمان است. «برای تهیه طرح و برنامه‌هایی برای معماری و شهرسازی اسلامی، آن معیارهایی مناسب هستند که از جهان‌بینی و تعالیم اسلامی استنتاج شده باشند، برای تعریف معماری و شهرسازی اسلامی، برای تهیه برنامه و طرح‌ها، برای مقایسه وضع موجود و حالت آرمانی، برای ارزیابی آثار و الگوهای وارداتی، مبنای آن معیارها را در اختیار داشت» (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۷). بر این اساس، هدف این پژوهش آن است تا با مطالعه یکی از گران‌سنگ‌ترین آثار مسلمین، به یکی از صفات شهر مطلوب از منظر ابن خلدون که همان عصبیت یا همبستگی و پیوند اجتماعی بین مردم است، پرداخته شود.

### پرسش‌های تحقیق

در این پژوهش سؤال‌های زیر مطرح هستند:

- ۱- مفهوم «عصبیت» به طور دقیق به چه معناست و در ساحت فرهنگ و اجتماع شهر چه جایگاهی دارد؟
- ۲- دیدگاه ابن خلدون در خصوص تعلقات اجتماعی و مشارکت‌های شهروندان چیست؟
- ۳- مشارکت‌های مردمی و همبستگی‌های اجتماعی تا چه حد می‌تواند در ایجاد حس تعلق افراد به محیط زندگی تأثیرگذار باشد؟

### روش تحقیق

این مقاله از نوع بنیادی - تبیینی و کیفی است و از روش‌های تفسیری، اکتشافی و منابع و اسناد کتابخانه‌ای بهره برده است.<sup>۴</sup> در ابتدای امر به علل شکل‌گیری اجتماعات از دیدگاه ابن خلدون پرداخته شده، سپس مفهوم دقیق «عصبیت» بیان شده و نتایج و آثار مثبتی که وجود عصبیت می‌تواند در رشد و توسعه شهر داشته باشد، مورد بحث قرار گرفته است. برای پاسخ به سؤالات تحقیق در ابتدا متن اصلی کتاب /مقدمه نوشته ابن خلدون با دقت مطالعه شده است و پس از آن کتب ترجمه‌شده‌ای که در این حوزه مطرح هستند و هم‌چنین مقاله‌های ارزشمند داخلی و خارجی بررسی شده‌اند.

عبدالرحمان بن خلدون، معروف به ابن خلدون، در اول رمضان ۷۳۲ هجری قمری (۲۷ می ۱۳۳۲ میلادی) در تونس متولد شد. این حکیم مسلمان در خانواده‌ای رشد یافت که علاوه بر ثروت و مکنّت از لحاظ علمی، معنوی و سیاسی، آوازه و شهرتی خاص داشت. وی مورخ، پایه‌گذار علم جامعه‌شناسی، اقتصاددان، متخصص آمار، ریاضی‌دان، منجم، فیلسوف، عالم علوم اسلامی (قرآن، حدیث)، دانشمند علوم سیاسی، حقوق‌دان، استراتژیست علوم نظامی، متخصص علوم تغذیه و طب، متخصص علم محیط‌شناسی و ارتباط انسان با محیط، روان‌شناس، برنامه‌ریز شهری، نظریه‌پرداز شهرسازی، شاعر و سیاست‌مدار بود. دایرة علوم وی بسیار گسترده بود، تا آن‌جا که ابن خلدون را از جمله نوایغ دانشمندان مسلمان به شمار می‌آورند. برجسته‌ترین اثر وی کتاب المقدمه، اثری بدیع است که به گفته مارسه<sup>۱</sup> «هنوز فکر بشر همتای آن را نیافریده است» (لاکوست، ۱۳۸۵: ۵). توین‌بی<sup>۲</sup>؛ استاد برجسته فلسفه تاریخ در خصوص مقدمه ابن خلدون می‌گوید: «این کتاب اثری عظیم و بزرگ است که همانند آن تا کنون توسط هیچ کس، در هیچ کجا و در هیچ زمانی خلق نشده است» (Gierer, 2001: 3).

با توجه به گستردگی مطالب ذکر شده در این کتاب و ایده‌های نوین مطرح شده، وظیفه متخصصان هر حوزه است که به کشف آرا و افکار ابن خلدون در حیطه تخصصی خویش بپردازند (جدول شماره ۱)، بالاخص در حوزه معماری و شهرسازی. با توجه به آنکه امروزه نیاز به تدوین مبانی نظری معماری و شهرسازی، همخوان با الگوی اسلامی - ایرانی بیش از پیش احساس می‌شود، لازم است مطالعه و بررسی این اثر در محافل تخصصی در دستور کار علمی قرار داده شود. «نظری گذرا به تاریخ تحول و پیشرفت رشته‌های مختلف علوم، فنون و هنرها نشان می‌دهد که چه ایده‌هایی علی‌رغم آن که زادگاه‌شان مشرق زمین بوده و در موطن خویش مهجور مانده‌اند، در ممالک پیشرفته صنعتی مورد توجه قرار گرفته و به عنوان ایده‌هایی جدید و غربی جهانگیر شده‌اند» (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۳۹). رویکرد علمی ابن خلدون در خصوص تمام مباحثی که در این کتاب به آن‌ها پرداخته شده است، نکته مثبتی است که بتوان آرای وی را در روزگار معاصر نیز مورد استفاده و بهره‌برداری قرار داد. «مطالعه آثار ابن خلدون را نباید روی تافتن از دنیای معاصر تلقی کرد، بلکه از طریق شناخت این‌گونه آثار است که می‌توان تجزیه و تحلیل صحیحی از مسائل

جدول شماره ۱: نظریه‌های ویژه و حائز اهمیت ابن خلدون در کتاب «مقدمه»

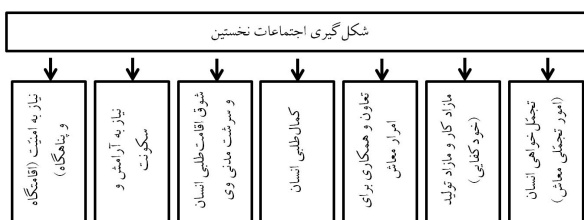
نظریه‌های منحصر به فرد ابن خلدون									
نظریه رشد اجتماعی انسان در شهر	رفتار شناسی و تحلیل ارتباط انسان با محیط	ارائه راهکار و چگونگی فراهم آوردن فرصت جهت تغییر مثبت	توجه به چرایی و اصل علیت در خصوص واقعات و مسائل شهری	نیاز طبیعی انسان به جامعه، شهر و تمدن (سرشت مدنی)	نظریه چرخه حیات جامعه	اهمیت پیوند عمیق اجتماعی مردم در رشد شهر (عصبیت)	نظریه ارزش محصول (کار)	نظریه مازاد تولید	نظریه توسعه میانه رو و رشد شهرنشینی

ابن خلدون، متفکر مسلمان با آنکه در حدود ششصد سال پیش می زیسته است، اما پژوهش‌ها و مطالعات دقیق بر روی آثار وی از کشورهای غربی و از سال ۱۸۱۰ میلادی آغاز شده است، (Rabi, 1967). عمده شهرت وی به جهت مورخ بودن و مباحث تاریخ‌نگاری است، اما با توجه به عمق و دامنه گسترده مطالب مطرح‌شده در کتاب مقدمه و جامع العلوم بودن ابن خلدون، متخصصین رشته‌های مختلف با توجه به حوزه مطالعاتی خویش به کندوکاو در نظریات وی پرداخته‌اند، دکتر مهدی مظفری در سال ۱۳۵۴ کتاب مشهور جهان‌بینی ابن خلدون تألیف ایو لاکوست، متخصص جغرافیایی سیاسی را به فارسی ترجمه کرد، وی خاطر نشان می‌سازد که ابن خلدون به بسیاری از مسائل مبتلا به مورخان عصر حاضر توجه کرده و سعی نموده تا از راه تجزیه و تحلیل نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به آن مسائل پاسخ گوید. او در بخش نسبتاً مختصری از کتاب به مواردی همچون: تأسیس دولت، عمران بدوی و حضری (زندگی بادیه‌نشینی و شهرنشینی) و بحث عصبیت که موضوع این پژوهش است نیز اشاره کرده است، اشاره وی مختصر و در حیطه تعریف این مقوله است. کتاب تفکر جامعه‌شناختی ابن خلدون تألیف فؤاد بعلی، به همت دکتر غلامرضا جمشیدپها در سال ۱۳۸۲ ترجمه و به زیور چاپ آراسته شده که در این کتاب تا حدودی بحث شهر و شهرنشینی از دیدگاه ابن خلدون مورد توجه قرار گرفته است. دکتر مسعود علی‌مردانی نیز در خصوص اخلاق شهروندی و خصوصیات خلقی بادیه‌نشینان و شهرنشینان مقاله‌های ارزش‌مندی نگاشته است و دکتر تقی آزاد ارمکی نیز در باب اندیشه‌های جامعه‌شناختی ابن خلدون کتاب فاخر اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان، از فارابی تا ابن خلدون را تألیف نموده‌اند، همچنین در سال‌های اخیر مقالاتی در خصوص نظریه‌های اجتماعی این اندیشمند مسلمان نوشته شده است، اما همانطور که از عناوین تحقیقات مشخص است، از منظر مطالب مرتبط با شهر و صفات شهر مطلوب اسلامی از دیدگاه ابن خلدون پژوهشی عمیق صورت نگرفته است و تحقیق و پژوهش بیشتری را در این ساحت می‌طلبد.

یکی از مهم‌ترین موضوعات شهرهای معاصر، بحث مردم و شهروندان و مشارکت آنان و ارتباطات آنان در حیطه‌های مختلف و زمینه‌های گوناگون شهری است که قرن‌ها پیش، ابن خلدون این موضوع‌ها را با نگاهی هوشمندانه مورد مطالعه قرار داده بود. وی ابتدا به تفاوت خلقیات افراد در حوزه شهر و روستا (بادیه) پرداخته و خلقیات ساکنان را در روند رو به رشد یا رو به افول شهر و افراد مهم برمی‌شمرد، سپس به مفهومی بدیع و عمیق در حوزه ارتباطات به نام «عصبیت» می‌پردازد، ایجاد تعلق خاطر و حس امنیت و احساس مسئولیت و تعاون و همکاری و یاریگیری از مهمترین آثار حضور و ظهور عصبیت قوی و ارتباطات انسانی در میان هر قوم است که نقش بسیار مثبتی در روند زندگی افراد در مجموعه‌های زیستی اعم از

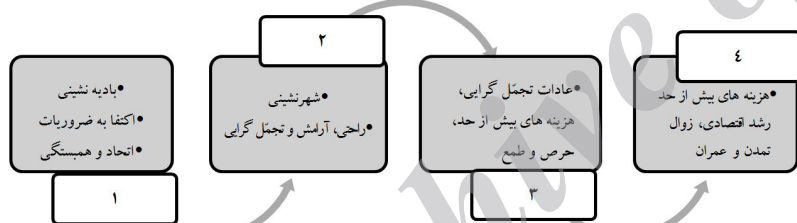
بادیه و شهر دارد. شاید بتوان گفت شاخص‌ترین فردی که در حوزه اجتماعی به مبحث ارتباطات انسانی و همبستگی پرداخته است پنج قرن پس از ابن خلدون، جامعه‌شناس فرانسوی «امیل دورکیم» در قرن نوزده و بیستم میلادی است. «وی در دو کتاب معروف خود به نام‌های تقسیم کار اجتماعی و خودکشی در زمینه همبستگی اجتماعی سخن گفته است. آن چه دورکیم را به بحث همبستگی اجتماعی وادار کرده، یافتن پاسخی برای این سؤال است که: چه نیرویی جامعه را متحد و یکپارچه نگه می‌دارد؟ وی در پاسخ به این پرسش، تقسیم کار را مد نظر قرار می‌دهد» (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۶۸) از دیدگاه وی تقسیم کار موجب ایجاد چنین همبستگی بین افراد در یک مجتمع زیستی می‌گردد. «دورکیم همبستگی اجتماعی را مبتنی بر دو عامل وجدان جمعی و تقسیم کار اجتماعی می‌داند که هر کدام به ترتیب پدیدآورنده همبستگی اجتماعی مکانیکی و همبستگی ارگانیکی است» (مدقق و شرف‌الدین، ۱۳۹۲: ۵۰). وی معتقد است که همبستگی با توجه به جوامع سنتی و صنعتی به دو دسته قابل تقسیم است. در جوامع سنتی گذشته همبستگی مکانیکی وجود داشت، این همبستگی زمانی وجود دارد که اعتقادات و احساسات مشترکی بین تمامی اعضای گروه‌ها حاکم باشد و هر قدر میزان این اعتقادات و احساسات مشترک شدیدتر و قوی‌تر باشد، همبستگی مکانیکی یا خود به خودی استوارتری به وجود می‌آید. از سوی دیگر هر چه جوامع به سوی پیچیدگی و تقسیم کار می‌روند، همبستگی به شکل ارگانیکی نمایان می‌گردد. جوامع ارگانیک یا پیشرفته صنعتی مبین درجات بالایی از استقلال در میان افراد و واحدهای جمعی است و قراردادهای قانونی، هنجارهای این روابط داخلی را تنظیم می‌نماید (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۴). امیل دورکیم همچنین در خصوص اهمیت دین و مذهب و تأثیر آن بر همبستگی اجتماعی نیز سخن گفته است، اما نگاه اسلامی و وحیانی به دین از منظر ابن خلدون با نگاه دورکیم در این خصوص کاملاً متفاوت است. این نگرش متفاوت، نتیجه متفاوتی نیز در خصوص اهمیت ویژه دین در این باره به دست می‌دهد. «دورکیم می‌خواهد با زبان علمی جامعه‌شناسی، دین را نهادی اجتماعی، مخلوق و مصنوع دست جامعه معرفی و به اثبات برساند. وی هرگونه استدلال عقلانی در اثبات حقانیت دین را نفی می‌کند. دورکیم دین را صرفاً پدیده‌ای اجتماعی می‌داند ولی ابن خلدون نظام اعتقادی دین را بالاتر و برتر از آن می‌داند که مخلوق خواست و اراده جمعی باشد، دین یک دستگاه وحیانی است که با مافوق الطبیعه مرتبط است و پذیرش دین تنها از راه الهام و قلب و شهود با ثبات و پایدار است» (رویدل، ۱۳۸۲: ۱۷۰). شخص دیگری که در حوزه ارتباطات انسانها در ساحت مجتمع‌های زیستی سخن گفته است، گئورگ زیمل، جامعه‌شناس آلمانی در قرن نوزدهم و بیستم است که به مبحث شهرنشینی و روستانشینیان

نمودار شماره ۱: دلایل ابتدایی و اولیه عمران (اجتماع) از دیدگاه ابن خلدون، بر اساس کتاب مقدمه



### مفهوم بادیه‌نشینی و شهرنشینی از دیدگاه ابن خلدون

اصل و گهواره تمدن و اجتماع، بادیه‌نشینی (عمران بدوی) است و احوال و عادات تمدن از کیفیات بادیه‌نشینی سرچشمه گرفته است؛ چرا که نخستین خواسته‌های انسان ضروریات است و بادیه‌نشینان به ضروریات قناعت می‌کنند، اما شهرنشینی هدفی درونی و باطنی برای بادیه‌نشینان است. با تحقیق در احوال شهرنشینان (عمران حصری) مشخص می‌شود که آن‌ها در آغاز بادیه‌نشین بوده و پس از رسیدن به مرحله توانگری و ثروت به شهر رفته و به رفاه زندگی و تجمل‌خواهی شهرنشینی متمایل شده‌اند. شهرنشینی خواهی نخواهی پس از بادیه‌نشینی پدید می‌آید؛ چرا که نیاز به سکون، آرامش و کمال‌طلبی در سرشت آدمی است، سپس شهرنشینان به مرحله تجمل‌خواهی و مصرف‌گرایی روی آورده و آن گاه است که شهر به سوی زوال پیش می‌رود (نمودار شماره ۲).



نمودار شماره ۲: شهرنشینی هدف بادیه‌نشینی و تجمل‌گرایی عادت شهرنشینی است، بر اساس کتاب مقدمه

### ویژگی‌های بادیه‌نشینان و شهرنشینان

عمران و اجتماع هم می‌تواند به شکل بادیه‌نشینی (زندگی پیرامون آبادی‌ها، کوهستان‌ها، بیابان‌ها، دشت‌های دور از آبادانی) و هم به صورت شهرنشینی (شهرهای بزرگ و کوچک و دهکده‌ها) ظهور یابد (پیشین: ۷۵). ابن خلدون اساس تشکیل شهرها و جمعیت آنان را از بادیه‌نشینی می‌داند. ابن خلدون نه تنها تفاوتی عمده در شیوه زندگی بادیه‌نشینان و شهرنشینان قائل می‌شود، بلکه از لحاظ اخلاق، خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی نیز تفاوتی اساسی و بنیادی بین این دو گروه ذکر می‌کند (جدول شماره ۲). از نظر او بادیه‌نشینان به صفات اولیه انسانی نزدیک‌ترند و دارای ویژگی‌های مثبت خلقی هستند که شهرنشینان به دلیل شهرنشین شدن و دور افتادن از اصل و زندگی بادیه‌ای از آن رفته‌رفته دور شده‌اند.<sup>۵</sup>

پرداخته است. وی به فضایی که در آن زندگی شهری مدرن جریان داشت علاقه‌مند بود و آرزوی بازگشت به کلیت نظام‌مند جوامع سنتی را در سر نمی‌پروراند و بیش‌تر به جستجوی شیوه‌هایی می‌پرداخت که افراد شهرنشین به کمک آن نمی‌گذارند زندگی مدرن، آن‌ها را در خود غرق کند. وی تیزهوشی شهرنشینان را می‌ستاید و آن‌ها را انسان‌های آزادتری در مقایسه با افکار تعصبی و سنتی روستاییان می‌پنداشت. از دیدگاه بستر ارتباطات اجتماعی، زیرم تقسیم کار پیچیده و تخصصی شدن مشاغل شهرنشینان را موجب کاهش شدید فرصت‌های شهرنشینان برای ایجاد تماس‌های نزدیک و عاطفی با یکدیگر می‌دانست. (فتحی، ۱۳۹۱). همان‌گونه که عنوان شد، قریب به ششصد سال پیش ابن خلدون به این موضوع از منظری متفاوت توجه و آثار تعلقات و همبستگی اجتماعی را در رشد و توسعه شهر بیان کرد. هم‌چنین اهمیت همبستگی اجتماعی را در تقویت احساس تعاون، همکاری و وحدت مردم نسبت به یکدیگر تحت عنوان محیطی به نام «عصبیت» متذکر شده بود. نکته‌ای که ابن خلدون برای رسیدن به شهر مطلوب روی آن تأکید فراوان داشت، اهمیت حضور و نقش انسان در شهر و ارتباطات اجتماعی وی است که از مهم‌ترین مباحث علوم شهری در دنیای معاصر به شمار می‌رود.

### نگاهی کلی به مفهوم عمران و اجتماع از منظر ابن خلدون

از دیدگاه ابن خلدون، مهم‌ترین تمایز انسان نسبت به سایر موجودات، عمران یا اجتماع است. در طبایع انسان، حس تعاون و همکاری برای کسب معاش سرشته شده است. از منظر وی، اجتماع نوع انسان ضروری است، چرا که سرشت انسان مدنی است و ناگزیر است که اجتماعی تشکیل دهد که حکیمان در اصطلاح آن را مدنیت و شهرنشینی گویند و معنی عمران همین است (ابن خلدون، ج ۱، ۱۳۸۸: ۷۵-۸۰). هرگاه اجتماعات برای انسان حاصل آید، ضرورت اقتضا می‌کند که با یکدیگر روابط گوناگون برقرار سازند و نیازمندی‌های خویش را برآورند. اولین ارتباطات در این خصوص برای تأمین غذا، وسایل معاش و تأمین امنیت است (ابن خلدون، ج ۱، ۱۳۸۸) انسان به ضرورت باید نیازمندی‌های خویش را برآورد. «از تمایزات انسان عمران یا اجتماع است، یعنی باهم سکونت گزیدن و فرود آمدن در شهر یا جایگاه اجتماع چادرنشینان و دهکده‌ها برای انس گرفتن به جماعات و گروه‌ها و بر آوردن نیازمندی‌های یکدیگر؛ چرا که در طبایع انسان، حس تعاون و همکاری برای کسب معاش سرشته شده است» (پیشین، ۷۵) (نمودار شماره ۱)

شهرنشینان	بادیه‌نشینان
مشاغل: تجارت، بازرگانی، صنعت، هنر، علم	مشاغل: دامپروری و کشاورزی
توجه به مراحل برتر از حد ضرورت	اکتفا کردن در احوال و عادات به میزان ضروری و لازم
نیاز به آرامش و سکونت‌گزینی	یکجا نشینی برای کشاورزان، کوچ‌نشینی برای دامپروران
ثروت، توانگری، تجمل‌خواهی	ساده‌گرایی، قناعت و اکتفا به ضروریات
ساخت خانه‌های نیکو، قصرها و ..	ساخت خانه‌های ساده و ناپایدار (چوب، نی، سنگ و...)
خوراک ناسالم و ناهمگون	خوراک سالم و ساده
سستی ایمان، نازپروردگی، عدم شهامت و دلیری، عدم دلاوری	ایمان قوی‌تر، دلیر و دلاور
بنیانگذاری شهرهای کوچک و بزرگ و توسعه خانه‌ها	ساخت خانه‌هایی ساده به مثابه پناهگاه و سایه بان
دور شدن از خیر و نیکی	نزدیک‌تر بودن به خیر و نیکی
عصبیت و روابط ضعیف‌تر	عصبیت بسیار قوی
کمرنگ شدن امور معنوی به دلیل قدرت مسائل مادی	خالص‌تر بودن امور معنوی

### در مذمت اخلاق شهرنشینان

از دیدگاه ابن خلدون، شهرنشینان از این روی که پیوسته در انواع لذت‌ها و عادات تجمل‌پرستی و ناز و نعمت غوطه‌ورند و به دنیا روی می‌آورند و شهوات دنیوی را پیش می‌گیرند نهاد آن‌ها به بسیاری از خوی‌های نکوهیده و بدی‌ها آلوده می‌شود و از رفتارهای نیک دور می‌شوند. معمولاً بادیه‌نشینان به فطرت نخستین انسانی نزدیک‌ترند. تجمل‌خواهی و نازپروردگی برای مردم شهر تنباهی آور است؛ چرا که در نهاد آدمی انواع بدی‌ها، فرومایگی‌ها و عادات زشت را پدید می‌آورد و خصال نیک را از میان می‌برد (ابن خلدون، ج ۱، ۱۳۸۸: ۳۲۲). بادیه‌نشینان از شهرنشینان دلیرترند. به دلیل آن‌که شهرنشینان بر بستر آرامش و آسایش آرمیده و غرق در ناز و نعمت و تجمل‌پرستی شده و امور دفاع از جان و مال خویش را به فرمانروا و حاکم واگذار کرده‌اند، سلاح را به دور افکنده و نسل‌های ایشان بر این وضع تربیت شده‌اند. ممارست دائم شهروندان در پیروی از فرمان‌ها موجب زوال دلاوری آن‌ها شده و حس سربلندی را از میان می‌برد. اقوام بادیه‌نشین در چیرگی بر خصم تواناتر هستند.

اما فسادی که در نهاد به یکایک اهالی شهر (به دلیل تجمل‌گرایی) راه می‌یابد عبارت است از رنج بردن و تحمل سختی‌ها برای نیازمندی‌های ناشی از عادات. به همین سبب فسق و شرارت و پستی و حيله‌ورزی در راه به دست آوردن معاش خواه از راه صحیح خواه از بیراهه فزونی می‌یابد و نفس

انسان به اندیشیدن در این امور فرو می‌رود و در این‌گونه کارها غوطه‌ور می‌شود؛ چنان‌که این‌گونه افراد بر دروغ‌گویی، قماربازی، غل و غش‌کاری و فریبندگی و دزدی و پیمان‌شکنی و ربا در معاملات گستاخ می‌شوند. شهرنشینان به راه‌ها و شیوه‌های فسق و بدکاری آگاه‌تر هستند در حالی‌که خوی بادیه‌نشینی انسان را به شرم داشتن از گفتار بد در نزد خویشان و محارم وادار می‌کند و شهرنشینان به مکر و فریبکاری داناترند. هرگاه این‌گونه ردایل در شهر یا در میان مردم تعمیم باید خداوند ویرانی و انقراض آنان را اعلام می‌فرماید (ابن خلدون، ج ۲، ۱۳۸۸: ۷۳۷). **وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيَّهَا الْقَوْلُ فَمَدَرْنَاهَا تَدْمِيرًا وَحِينَ بَخَوَّاهِمُ شَهْرِي رَا هَلَاكَ كَنِيمٍ خَوْشِ كَذْرَانَانِش رَا وَامِي دَارِيمُ تَا دَرِ أَنْ بَهْ اِنْحِرَافِ [و فساد] بِيَرْدَانِزْدِ وَ دَرِ نَتِيْجَهْ عَذَابِ بَرِ أَنْ [شهر] لَازِمُ كَرْدِدِ پَسِ أَنْ رَا [يَكْسِرُه] زِيْرُوْزِرِ كَنِيمِ (سوره اسراء، آیه ۱۶).**

### مفهوم عصبیت (همبستگی اجتماعی)

عصبیت، «روح جماعت یا همبستگی اجتماعی»<sup>۶۹</sup>، به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم مطرح شده توسط ابن خلدون در کتاب مقدمه به شمار می‌رود. این کلمه از ریشه عَصَب به معنای پیوند دادن فرد به گروه مشتق شده است (بعلی، ۱۳۸۲: ۵۷). واژه عصبیت از منظر ابن خلدون عاملی است که باعث اتحاد و همبستگی افراد در گروه (خانواده، اجتماع و...) می‌شود که در

درجه اول و در قوی ترین حالت، پیوند خانوادگی است. «از موارد پیوند خویشاوندی، نشان دادن غرور قومی و احساس مسئولیت نسبت به نزدیکان است، این امر در بشر یک امر طبیعی و ذاتی است، در درجات بعدی ولاء<sup>۱</sup> (هم‌پیمانی) و خلیف<sup>۲</sup> (هم سوگندی) است که همانند خویشاوندی این نوع پیوند نیز در نهاد آدمی جای می‌گیرد و منشأ یاریگری به یکدیگر می‌شود (ابن خلدون، ج ۱، ۱۱۱۱: ۲۴۳). «عصبیت را می‌توان در نَسَب و حَسَب جستجو کرد، حَسَب عبارتست از غرور خانگی، قومی، ملی، و یا میراث‌های مادی و معنوی که به افراد شخصیت و حیثیت می‌بخشد» (ربانی و رضانی، ۱۳۸۵: ۶۴). ابن خلدون یکی از دلایل برتری زندگی بادیه‌نشین بر شهرنشینی را حضور قوی‌تر عصبیت بین بادیه‌نشینان می‌داند؛ چراکه نَسَب‌های خانوادگی بین آن‌ها قوی‌تر بوده و غرور قومی و یاری‌رساندن به یکدیگر نیز بیش‌تر است، اما عصبیت در شهرنشینیان به دلیل دور افتادن از اصل و نسب خویش به تدریج و پس از چند نسل کمرنگ می‌شود و این مهم را از نقاط منفی زندگی شهرنشینی بر می‌شمرد. «عصبیت نشان دادن غرور قومی نسبت به نزدیکان و خویشان است، در مواقعی که ستمی به آنها برسد و یا تحت خطر واقع شوند، که آن ستم را توهین به خود می‌دانند و به یاری یکدیگر می‌پردازند» (ابن خلدون، ج ۱، ۱۳۸۸: ۲۴۲). «ابن خلدون از بسیاری جهات زندگی بادیه‌نشینان را مقدم بر شهرنشینی می‌داند و عصبیت را در بادیه‌نشینان پررنگ می‌بیند، به اعتقاد وی عصبیت عبارتست از: دلآوری، شجاعت، دینداری، اخلاق، پیوندهای خانوادگی، روح آزادی، فطرت پاک و سالم، بزرگواری و بخشنده‌گی، شهامت و بی‌باکی» (علیمردانی، ۱۳۸۳: ۲۷). «امروزه یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تجزیه و تحلیل و درک واقعیات محیط‌های شهری، بررسی زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و عواملی است که موجب پویایی، تحرک و توسعه این ساحت می‌شود» (Pusic, 2004). ابن خلدون به درستی به نقش مهم تعلقات اجتماعی مردم در مجتمع‌های زیستی و رشد اجتماعی شهر پی می‌برد. پیوند عمیق اجتماعی موجب می‌شود تا افراد نسبت به محل زیست خود و افرادی که در کنار آنان زندگی می‌کند، احساس مسئولیتی عمیق و ارتباطی محکم داشته باشد. «پیوند، ضرورتاً به معنای ارتباط هم‌خونی نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی، روان‌شناسی، فیزیکی و سیاسی است و زمانی است که فرد با دیگران یکی می‌شود» (بعلی، ۱۳۸۲: ۵۹). دیدگاه هوشمندانه ابن خلدون در خصوص انگیزه‌های پویا و فعال فرایندهای اجتماعی در توسعه شهر مثال‌زدنی است و در این حیطه با برترین متفکران غربی برابری می‌کند. مفهوم عصبیت و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی که با خود به دنبال دارد، از مهم‌ترین مباحث برای دست‌یابی به رفاه اجتماعی در شهر است و هرگاه رنگ عصبیت و همبستگی در جامعه‌ای کمرنگ شود به هیچ روی نمی‌توان به آن توسعه و رشد مطلوب دست یافت

(Gierer, 2001). «عصبیت موجب تشکیل دولت و حکومت قوی نیز می‌شود و ابن خلدون تعصب را اولین شرط تشکیل دولت و دگرگونی آن می‌داند» (طه حسین، ۱۳۸۲: ۱۱۳).

### مصادیق مفهوم عصبیت در فضای شهری و نقش آن در مطلوبیت شهر و ارتقای حس تعلق اجتماعی

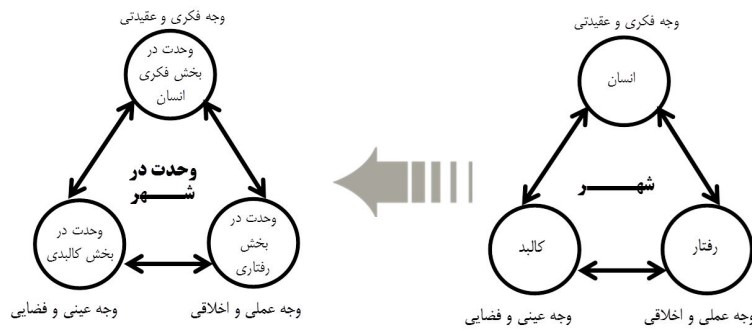
چگونگی تجلی مفهوم عصبیت و چرایی تأثیر آن در ارتقای حس تعلقات و وابستگی‌های اجتماعی در هرگونه مجتمع زیستی و فضای شهری به‌صورت تیتروار در ذیل خواهد آمد:

#### عصبیت عاملی برای افزایش مشارکت‌های اجتماعی

«در اواخر دهه ۱۹۶۰، نقش مشارکت در توسعه جوامع به عنوان موضوعی اساسی مورد توجه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران قرار گرفت. آرنشتاین<sup>۱</sup> در زمره اولین افرادی بود که مشارکت شهروندی را در سال ۱۹۶۹ با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و برای توضیح آن از استعاره نردبان مشارکت استفاده کرد. در اواخر دهه هفتاد سازمان بهداشت جهانی، اصطلاح مشارکت شهروندی را مطرح ساخت و در سال ۱۹۹۶، مشارکت شهروندی به عنوان یکی از طرح‌های مؤثر در بهبود زندگی شهری از سوی اجلاس سازمان ملل در زمینه اسکان بشر<sup>۲</sup> با عنوان طرح مشارکت مردم در امور شهری ارائه گردید» (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۲-۴۳). هدف کلی از مشارکت مردم در امور شهری افزایش تعلقات اجتماعی شهرنشینیان و بالا بردن میزان همبستگی مردمان است. مفهومی که با موشکافی به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها برای دست‌یابی به توسعه شهر توسط ابن خلدون ششصد سال پیش عنوان شده است. همان‌طور که ذکر شد کمرنگ بودن عصبیت (پیوند اجتماعی) و همبستگی اجتماعی که عامل پیوند زنده فرد به جامعه است، در میان شهرنشینیان از نکات منفی شهرنشینی از دیدگاه ابن خلدون به شمار می‌رود. در نتیجه تلاش بر آن است تا این حس در میان شهرنشینیان تقویت گردد، «عصبیت از طریق کنش متقابل یعنی از طریق تلاش و کوشش طولانی دو جانبه و فعالیت‌های حرفه‌ای مشترک به دست می‌آید» (بعلی، ۱۳۸۲: ۶۰). عصبیت، نیروی محرکه‌ای است در توسعه جوامع انسانی که از این طریق مردم را نسبت به یکدیگر مسئول کرده تا جنبه‌های مشارکت اجتماعی افزایش یابد. «زمانی که مشارکت‌های مردم زیادتر شود، توسعه شهری را به دنبال خواهد داشت و این حمایت و پشتیبانی مردم باعث قدرت دولت، جامعه و اقتصاد می‌گردد» (Sabit Mohammad, 2010: 7).

#### عصبیت و افزایش اقتدار اجتماعی

احساس همبستگی و حمایت گروهی که از نتایج مستقیم عصبیت در جامعه است، به افزایش اقتدار اجتماعی شهروندان خواهد انجامید. «مقتدرسازی کنشی اجتماعی است و فرایندی



نمودار شماره ۳: برای تحقق وحدت در شهر، تجلی اصول وحدت در بخش کالبد شهر و رفتار شهروندان ضروری است

توصیه‌ای اکید شده است. این صفات، هم بر روی بخش رفتاری و اعتقادی شهر تأثیرگذار است، هم بخش کالبدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (نمودار شماره ۳). ابن خلدون نیز مفهوم عصبیت را که واژه‌ای است کل‌نگر و دقیقاً همین مفاهیم را در ذات خود مستتر دارد، ضامن رشد و توسعه شهر و ساکنان آن می‌داند.

### عصبیت و نقش آن بر هویت فردی و اجتماعی

عصبیت موجب ایجاد احساس تعلق فرد به جامعه و مانع از خود بیگانگی فرهنگی می‌شود و دوام جامعه را تضمین می‌کند و نقش قوی و قدرتمندی در ارتقای احساس هویت ایفا می‌نماید. «حسب و بزرگی در میان خداوندان عصبیت ریشه‌دار و حقیقی است زیرا آنان از نتایج دودمان و نسب بهره‌مند می‌شوند» (ابن خلدون، ج ۱، ۱۳۸۸: ۲۵۴). «بحران هویت موضوعی است که در طول تاریخ، انسان‌ها و جوامع مختلف کم و بیش با آن مواجه بوده‌اند. علت اصلی بحران هویت را می‌توان در تزلزل انسان‌ها نسبت به هویت واقعی خویش جستجو کرد» (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۷۰). «جوهره هویت، تعلق است، بدین معنا که هویت هرگونه که تعریف شود، در نهایت به تعلق ختم می‌شود. هویت اجتماعی تعریفی است که افراد بر مبنای عضویت خود در گروه‌های اجتماعی از خود ارائه می‌دهند» (دغاقله، ۱۳۸۶: ۵۱). این احساس هویت اجتماعی و درک فرد از این‌که به چه گروهی تعلق دارد، معنای اصلی و بنیادی و نتیجه حضور عصبیت در جامعه است که ابن خلدون به زیبایی به نقش این احساس در رشد و توسعه شهر واقف بوده است. (ابن خلدون، ج ۱، ۱۳۸۸: ۲۲۵-۲۶۷). «هویت اجتماعی به رابطه فرد و دیگران در متن جامعه اشاره دارد که در پرتو تعامل افراد با یکدیگر، این هویت شکل می‌گیرد. هویت امری است اجتماعی که از طریق تعامل با دیگران صورت می‌گیرد» (اشرف نظری، ۱۳۸۶: ۱۲۶-۱۲۷).

«عادات و رسوم و آیین‌های زندگی در شهرهای کهن استوار می‌شود و تا نسل‌ها ریشه می‌دواند مانند رنگ ثابتی که در پارچه‌ای نفوذ می‌کند، تا زمانی که پارچه باقی‌سست رنگ هم باقی است و در نسل‌های پی در پی ریشه می‌دواند و هرگاه صبغه‌ای استوار گردد زایل کردن آن دشوار می‌شود» (ابن خلدون، ج ۲، ۱۳۸۸: ۷۹۵).

### عصبیت، عاملی برای افزایش حس امنیت، تعاون و یاریگری

عصبیتی که ابن خلدون در کتاب خویش از آن یاد می‌کند، پیوند، خویشاوندی، حس یاریگری و اتحادی در بین مردم به وجود

است چند بعدی، زیرا در ابعاد اجتماعی، روانی و اقتصادی و در سطوح مختلف فردی، گروهی و اجتماعات به وقوع می‌پیوندد و در تعامل با دیگران رخ می‌دهد» (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰).

### عصبیت و ارتقای حس وحدت در جامعه

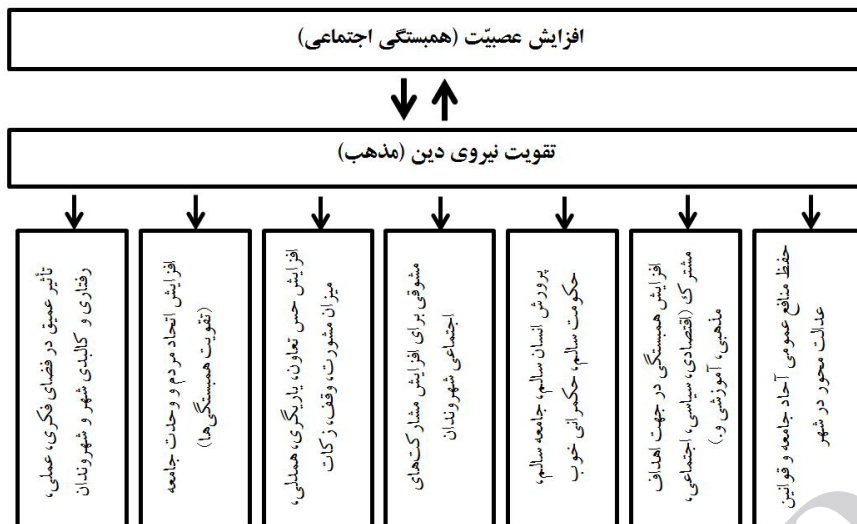
ابن خلدون اشاره کرده است که عصبیت هنگامی ایجاد می‌گردد که فرد با دیگران یکی می‌شود. می‌توان این‌گونه عنوان نمود که مقصود حس وحدتی است که انسان‌ها با یکدیگر دارند که در قوی‌ترین حالت پیوند خویشاوندی است اما می‌تواند به ارتباطات قوی و خالص دیگر نیز اطلاق گردد. تعالیم اسلامی، همدلی، مشورت، تعاون، برادری، یاریگری و در یک کلام وحدت جامعه را توصیه نموده و آن را ضامن تعالی شهر و ساکنان آن قرار داده است. بحث فردیت‌گرایی و خودخواهی متأسفانه یکی از معضلات اساسی کلان‌شهرهای معاصر هستند. ریشه بسیاری از بی‌اخلاقی‌ها و رعایت نکردن قوانین همین مسئله فردگرایی و فاصله زیاد میان منافع فردی و جمعی است. در صورتی که در تعالیم مکاتب آسمانی همواره به جمع‌گرایی، قدرت اجتماعی (دست خدا همراه جماعت است) و مقدم داشتن دیگران بر خود اشاره شده است. حس وحدت بین احاد مردم و تقویت هر چه بیش‌تر این تعلق موجب توجه به منافع فردی می‌شود که رشد پایدار شهر را به ارمغان خواهد آورد.

با توجه به این مهم که اصل توحید (وحدت)، اساس تفکر و اعتقاد مسلمانان و وجه تمایز دین اسلام با سایر ادیان و مکاتب است، این تفکر علاوه بر تأثیر همه‌جانبه بر زندگی انسان مسلمان و موحد، تأثیر بسیار عمیقی در فضای رفتاری، باطنی و درونی جامعه خواهد گذاشت. وحدت، مفهومی است که به زمان خاصی تعلق ندارد و جاودانه است، اصل وحدت می‌تواند بارها و بارها و در شرایط مختلف ظهور یابد (Norberg-schulz, 1986).

«وحدت‌گرایی احساس مستقلی است که آدمی توسط آن می‌خواهد کثرت‌ها را که با واحدهای موجود در خود می‌خواهند، من‌انسانی را به خود جلب کنند فرعی تلقی کرده و تدریجاً در طی رشد و تکامل فکری، از آن‌ها عبور کند» (علامه جعفری، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

اصل وحدت به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین صفات شهر اسلامی، ذیل نظریه عصبیت ابن خلدون و تفکر توحیدی دین اسلام به زیبایی بیان شده است. در تعالیم اسلامی به همدلی، مشورت، تعاون، برادری، یاری‌گری و در یک کلام وحدت جامعه

جدول شماره ۳: ارتباط دو جانبه دین و عصبیت و تأثیر آن بر رشد و توسعه شهر از نظر ابن خلدون، بر اساس کتاب مقدمه



است (ابن خلدون، ج ۱، ۱۳۸۸: ۳۰۲). دعوت دینی بدون عصبیت انجام پذیر نیست. «خداوند پیامبری را برینگیخت مگر آنکه در میان قوم خود ارجمند و بلندپایه بود» (پیشین: ۱۷۱). پیامبران باید دارای عصبیت و قدرت باشند تا بتوانند رسالت پروردگار خویش را تبلیغ کنند و اراده خدا را در تکمیل دین و مذهب به کمال برسانند. بنابراین بین مذهب و عصبیت رابطه‌ای دو سویه برقرار است؛ هم مذهب باعث تحکیم عصبیت می‌شود و هم عصبیت موجب پذیرش عمیق‌تر مذهب خواهد شد و عاملی برای تقویت همبستگی‌ها و دیگر مؤلفه‌های اصلی برای رشد، تعالی و توسعه شهر است (جدول شماره ۳).

«قانون و عدالت در جامعه اسلامی بخشی از شریعت است. شریعت از مذهب، زندگی، عقل، نسل و اموال شهروندان محافظت می‌کند. بنابراین وجود قوانین کیفری و مدنی و تعهدات شهروندان باعث می‌شود که یقینی از اجرای قوانین وجود داشته باشد. چون شهروندان شریعت را قبول دارند، مشروعیت قوانین و اجرای آن توسط حکومت را نیز قبول می‌کنند» (Sabit Mo-hammad, 2010: 13).

«درفرنگ اسلامی، بارزهای هویت انسان متشکل از دو گروه ذاتی و اکتسابی است. در احساس هویت یا «این‌همانی» با محیط، عواملی درونی هم‌چون مذهب، جهان‌بینی، تاریخ، فرهنگ و سایر قلمروهای معنوی در شکل دادن به هویت انسان تأثیر گذارند» (نقی‌زاده، ۱۳۸۷).

دین تقویت‌کننده الفت در دل‌هاست و عصبیت را افزایش می‌دهد. بین عصبیت و مذهب به عنوان نهاد اجتماعی و ابزار کنترل اجتماعی رابطه‌ای محکم وجود دارد و مذهب همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند (ابن خلدون، ۱۳۸۸).

می‌آورد که از دیدگاه ابن خلدون از صفات مطلوب محیط‌زیست به شمار می‌رود (نمودار شماره ۴)؛ یعنی انسان در مکانی زیست کند که امنیت و اطمینان و پشتیبان‌های بسیار قوی از دیگر افراد را به خصوص در مواقع سختی در کنار خود داشته باشد.



نمودار شماره ۴: عصبیت سر منشأ تمام احساسات تعلق اجتماعی در محیط‌زیست است، بر اساس کتاب مقدمه

از دیدگاه ابن خلدون، شهر پناهگاهی امن برای ساکنان آن است و از مهم‌ترین دلایل شهرنشینی، امنیت را برمی‌شمرد. «از نظر ابن خلدون جوهر حیات جمعی، پدیده تعلق اجتماعی و روح یاریگری نسبت به یکدیگر است. روح یاریگری در بادیه‌نشینی از طریق اجتماع افراد بر اساس نظام خویشاوندی حاصل می‌شود؛ در حالی که در شهر از طریق تأسیس و گسترش نهادها و سازمان‌های اجتماعی و روابط همسایگی صورت می‌گیرد» (آزاد ارمکی، ۱۳۹۰: ۲۸۲).

### عصبیت و تأکید بر اهمیت نهاد خانواده (شهر خانواده)

تأکید بر اهمیت پیوند خانوادگی، تأکید بر نزدیک شدن ارتباطات خانواده‌ها در شهرها، تشکیل گروه‌های خویشاوندی از نتایج مفهوم عصبیت در جامعه است. توجه به اهمیت نقش خانواده به عنوان یکی از نهادهای بنیادین جامعه در رشد و توسعه شهری بسیار مفید و مؤثر خواهد بود. همبستگی خانواده و در سطح بالاتر گروه‌های اجتماعی، عاملی برای افزایش مشارکت‌های انسانی است و خانواده تأثیر عمیقی بر دیگر نهادهای اجتماعی خواهد گذارد.

### دین و مذهب و ارتباط آن با عصبیت و تأثیر آن بر رشد و توسعه شهر

از نظر ابن خلدون، نیروی دین و مذهب بر قدرت عصبیت می‌افزاید و عاملی مهم برای اتحاد مردم و افزایش وحدت جامعه



## عصبیت و اجرای عدالت از طریق غیررسمی

«از دیدگاه ابن خلدون، اجرای عدالت علاوه بر مراجع رسمی (دولت و ...) به یک مکانیزم غیر رسمی نیز احتیاج دارد که بهترین مصداق آن، وجود عصبیت (همبستگی اجتماعی) است. از این طریق است که می‌توان مسائل را با توافق حل و فصل کرد. این مهم بین شهروندان اعتماد متقابل و همکاری را به وجود می‌آورد. این نهاد غیر رسمی و خصوصی باعث تشکیل جامعه مدنی و سازمان‌های نظارتی مستقل در جهت منافع شهروندان می‌شود. نقش ارزش‌های اخلاقی و اجرای عدالت توسط آحاد مردم بالأخص بخش حاکمیت بسیار مورد توجه ابن خلدون بوده است» (Sabit Mohammad, 2010: 14).

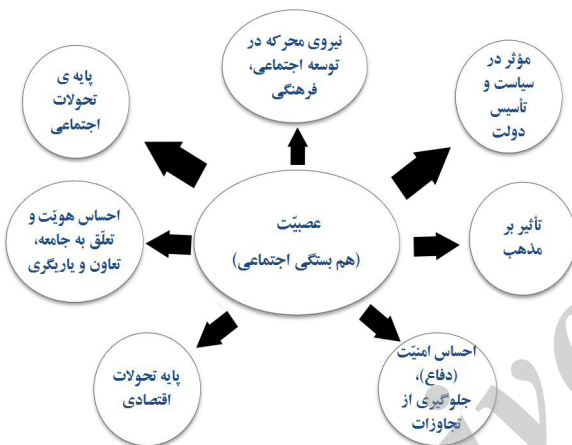
## عصبیت و یکپارچگی قومی

در سرزمین‌هایی که دارای قبایل و جمعیت‌های فراوان و گوناگون است به ندرت ممکن است دولتی نیرومند دوام یابد. «اختلاف عقاید و تمایلات که به دنبال هر یک از آن‌ها عصبیتی است، مانع عصبیت دیگر می‌شود و از این رو مخالفت با دولت و خروج و قیام بر ضد آن پیاپی فزونی می‌یابد. (ابن خلدون، ج ۱، ۱۳۸۸: ۳۱۳). ابن خلدون عدم یکپارچگی قومی را مانعی بر سر راه پیشرفت و رشد جامعه می‌داند؛ چرا که به دنبال تعدد اقوام و تعدد عصبیت‌ها ممکن است عدم اتحاد یکپارچه بروز یابد. مفهومی که ابن خلدون بیان کرده است همان رویکرد مهم و متداول دنیای معاصر در خصوص تکثر فرهنگی و قومی است. البته ابن خلدون تأکید می‌کند که مسائل دیگری هم‌چون حکمرانی عادل، و مذهب و شریعت می‌تواند به وحدت‌گرایی اقوام کمک کند. توجه به این نکته مهم و لحاظ کردن آن در ابعاد مختلف توسعه سرزمین‌ها به‌خصوص در کشورهایی هم‌چون ایران که متشکل از اقوام متعددی است می‌تواند در پایداری جوامع و برآوردن نیازهای آحاد مردم مفید و مؤثر واقع شود و جامعه را به سمت توسعه پایدار سوق دهد.

## عصبیت و کنترل اجتماعی

ابن خلدون اذعان می‌کند که برای رسیدن به توسعه‌ای پایدار و همیشگی و رشد مداوم شهر در تمام ساحت‌ها (اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، محیط‌زیست) باید در روند رشد و توسعه کنترل صورت گیرد تا به زوال و فروپاشی نینجامد. از نظر وی هر گونه توسعه بی‌حد و حصر محکوم به شکست است و در تمام حوزه‌ها باید روند صعودی و یا نزولی رشد را کنترل کرد تا اضمحلال تمدن رخ ندهد (Chapra, 2008). توسعه باید از مواردی مثل فقر مطلق، فقر و رفع نیازهای ضروری عبور کند و به مرحله بالاتر برسد، اما در این مرحله باید رشد را کنترل کرد؛ چون ممکن است به گونه‌ای نامحدود و ناصحیح ادامه یابد (Sabit Mohammad, 2010: 13).

یکی از عواملی که می‌تواند کنترل قوی‌تری در محیط شهری ایجاد کند وجود عصبیت است. همان‌طور که بیان شد عصبیت موجب بالا رفتن احساس مسئولیت، مشارکت‌ها، رفع مشکلات با یاری و تعاون می‌شود. بین عصبیت و مذهب به عنوان نهاد اجتماعی و ابزار کنترل اجتماعی رابطه‌ای محکم وجود دارد. هر چه تعلقات اجتماعی و وابستگی‌های مرتبط با نهادهای اجتماعی افزایش یابد، کنترل با سهولت بیش‌تری انجام می‌پذیرد و در این راه از توانایی مردمی نیز بهره می‌برد. «بدون شک یکی از مهم‌ترین گام‌ها در جهت موفقیت فرایند کنترل شهری، مدنظر قرار دادن ارتباطات اجتماعی و تقویت ارتباطات سازمانی است» (Pusic, 2004). همان‌طور که ذکر شد، مفهوم عصبیت تجلی‌های بی‌شماری در جامعه شهری دارد و از عوامل مهمی است که همانند نیروی محرکه، رشد و توسعه شهر را موجب می‌شود (نمودار شماره ۵).



## نتیجه‌گیری

ابن خلدون حکیم مسلمان در کتاب مقدمه به ویژگی‌ها و خصوصیات شهر، شهرنشینی، اخلاق شهروندی و رابطه انسان با شهر و تأثیر مردم در روند رشد و توسعه شهر اشاره می‌کند. با مطالعه دقیق کتاب این نتیجه حاصل آمد که از مهم‌ترین صفات شهر مطلوب از دیدگاه ابن خلدون توجه به مشارکت‌های مردم و تعلقات اجتماعی افراد نسبت به محل زیست خود و دیگر شهروندان است که وی از آن به عنوان «عصبیت» یاد می‌کند. وی متذکر می‌شود ظهور شهری که رو به سمت توسعه و رشد پایدار دارد، نتیجه تلاش همگانی و همکاری آحاد مردم با یکدیگر و با طبقه حکمران و یا همان حضور عصبیت است.

«عصبیت» و حضور آن در بین مردم، شاه‌کلید نظریه ابن خلدون در ساحت اجتماعی شهر است که می‌تواند به رشد پایدار شهر بینجامد. تجلی مصادیق عصبیت در جامعه شهری، احساس تعلق

روح جماعت، تعصب، تبار، جانبداری، شعور قبیله‌ای، رابطه خونی، روح قبیله‌ای، وفاداری قبیله‌ای، نیروی حیاتی، احساس وحدت، حمایت گروهی، گروهی بودن، احساس همبستگی، هوش و حواس گروهی، وجدان جمعی، همبستگی گروهی. به نظر می‌رسد روح جماعت و همبستگی گروهی به معنای اصلی نزدیک‌تر است (بعلی، ۱۳۸۲).

## 7. II Habitat

۸. ولاء: در لغت به معنای خویشاوندی و در تداول به معنای یاری کردن یکدیگر است؛ یاری‌رساندن و معاونت به یکدیگر.
۹. حلف: سوگندی است که بدان باهم پیمان دوستی می‌بندند و بر مطلق سوگند هم اطلاق می‌شود، حلف قبایل را به هم نزدیک می‌کند، هر چند پیوند خانوادگی با هم نداشته باشند.
۱۰. شری آرنشتاین (Sherry Amstein): خانم شری آرنشتاین در مقاله‌ای که برای اولین بار در سال ۱۹۶۹ منتشر کرد، مفهوم مشارکت را به نحوی روشن تحت عنوان نردبان مشارکتی، سطح‌بندی و تبیین نمود، نردبان مشارکت آرنشتاین دارای پله‌هایی است که پایین‌ترین پله عدم مشارکت شهروندان است و نهایتاً در پله‌های آخر بحث مشارکت قوی مردم عنوان می‌شود. آرنشتاین پنج هدف برای مشارکت‌های مردمی بیان می‌کند: ۱. تبادل اطلاعات، ۲. آموزش، ۳. جلب حمایت ۴. کمک به تصمیم‌گیری ۵. لحاظ کردن رأی مردم در تصمیم‌گیری.

## فهرست منابع و مراجع

### ۱. قرآن کریم.

۲. ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۸۸)، **مقدمه ابن خلدون**، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ دوازدهم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۳. اشرف نظری، علی (۱۳۸۶)، «**هویت ملی و وحدت یابی جمعی**، تأملی بر ابعاد فردی و جمعی هویت»، **نامه تاریخ پژوهان**، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۶.
۴. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۴)، **اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون**، انتشارات سروش، چاپ چهارم، تهران.
۵. بعلی، فؤاد (۱۳۸۲)، **جامعه، دولت و شهرنشینی، تفکر جامعه‌شناختی ابن خلدون**، ترجمه غلامرضا جمشیدیه، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۶. جعفری، علامه محمدتقی (۱۳۸۱)، **زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام**، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه محمدتقی جعفری، تهران.
۷. حسین، طه (۱۳۸۲)، **فلسفه اجتماعی ابن خلدون**، ترجمه امیر هوشنگ دانایی، انتشارات نگاه، تهران.
۸. دغاقله، عقیل (۱۳۸۶)، «**نسبت سنجی هویت‌های اجتماعی و الگوهای هویت یابی در جهان امروز**»، **نشریه راهبرد**، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۸۶.
۹. ربانی، رسول و رضانی، محمد (۱۳۸۵)، «**بررسی تأثیر محیط بر رفتار فردی و اجتماعی از دیدگاه ابن خلدون**»، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۵.
۱۰. رویدل، داوود (۱۳۸۲)، «**بررسی تطبیقی نظریات ابن خلدون و دورکیم**»، **مجله نامه فرهنگ**، شماره ۴۸، تابستان ۱۳۸۲.
۱۱. شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، «**فرهنگ شهری: مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری**»، **فصلنامه مدیریت شهری**، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۰.
۱۲. علیمردانی، مسعود (۱۳۸۳)، «**ابن خلدون و اخلاق شهرنشینی**»، **فصلنامه کتاب نقد**، شماره ۳۰، بهار ۱۳۸۳.
۱۳. فتجی، سروش (۱۳۹۱)، «**تحلیلی بر روابط اجتماعی در فضای شهری پایدار**»، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۱.
۱۴. لاکوست، ایو (۱۳۵۴)، **جهان بینی ابن خلدون**، ترجمه دکتر مهدی مظفری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

مردم به شهر را افزایش می‌دهد. **عصیت** یا مفهوم «همبستگی اجتماعی»، موجب احساس غرور قومی و ملی؛ یکپارچگی قومی و جلوگیری از تکثرات مسئله‌ساز در شهر می‌گردد. این همبستگی باعث می‌شود تا احساس مسئولیت هر یک از افراد جامعه نسبت به هم‌نوع خویش بیش‌تر شده و روحیه تعاون، یاریگری و احسان در شهر تقویت شود. بحث بحران هویت یکی از معضلات اساسی شهرهای دنیای معاصر است. **عصیت** و توجه به ریشه و عقبه و دارایی‌های فرهنگی و تاریخی سبب می‌گردد تا هویت فردی و اجتماعی افراد همواره پایدار ماند و از میان نرود. امنیت در حوزه‌های مختلف، اعم از زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، معنوی و روانی با مفهوم **عصیت** رابطه‌ای دو سویه دارد. همان طور که در این پژوهش، مصادیق تجلی «**عصیت**» در شهر عنوان شده است، مشخص می‌شود که این اصل مهم تا چه اندازه موجب پویایی، تحرک و سرزندگی شهر در زمینه‌های اجتماعی خواهد شد. مطالعه، تحقیق و بررسی آرای دانشمند فرزانه جهان اسلام، ابن خلدون، در خصوص مسائل شهری که در کتاب مقدمه با جزئیات و هوشمندی مثال‌زدنی ذکر شده است، می‌تواند گامی مهم برای تدوین اصول و معیارهای شهر اسلامی در نظر گرفته شود؛ به خصوص آن‌که برای رسیدن به جایگاهی که در حوزه معماری و شهرسازی برای ایران در افق سال ۱۴۰۴ ترسیم شده است، به معیارها، مصادیق و الگوهای برگرفته از تاریخ معماری و شهرسازی ایران و جهان اسلام و مطالعات آثار حکمای مسلمان، نیازی مبرم وجود دارد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. ویلیام مارسه (William Marçais): خاورشناس فرانسوی، متخصص زبان عربی مغربی (۱۸۷۴-۱۹۵۴).
۲. آرنولد توین بی (Arnold J. Toynbee): از سرشناس‌ترین نمایندگان معاصر فلسفه نظری یا جوهری تاریخ به شمار می‌رود. او کوشیده است تا به کشف قوانین حاکم بر تاریخ بپردازد و کشف قوانین تاریخی را، به واسطه یافتن قوانین رشد و تکامل تمدن‌ها پی گرفته و با بررسی تطبیقی جوامع مختلف تاریخی به دنبال کشف قوانین حاکم بر فرآیند حرکتی تمدن‌ها بوده است (۱۸۸۹-۱۹۷۵).
۳. لودویگ گومپلویچ (Ludwig Gumplowicz): متفکر اتریشی قرن نوزدهم که از بنیان‌گذاران علم جامعه‌شناسی در اروپا به شمار می‌رود (۱۸۳۸-۱۹۰۹).
4. Basic research, Exploratory and Documentary Method.
۵. برای مطالعه دقیق‌تر و بیشتر درخصوص توضیحات ابتدایی این مقاله رجوع به مقاله ذیل توصیه می‌گردد:
- نقی‌زاده، محمد و محتشم امیری، سعیده (۱۳۹۱)، «**توسعه پایدار شهری از منظر عبدالرحمن بن خلدون**»، **دوفصلنامه علمی پژوهشی نظریه اجتماعی متفکران مسلمان**، شماره دوم.
۶. در ترجمه واژه **عصیت** موارد ذیل آمده است:

۱۵. مدقق، محمد داوود و سیدحسین شرف‌الدین (۱۳۹۲)، «روش‌شناسی نظریه‌ی اجتماعی امیل دورکیم»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۲
۱۶. باقی نصرآبادی، علی (۱۳۸۴)، «همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی»، **مجله حصون**، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۴.
۱۷. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵)، **معماری و شهرسازی اسلامی - مبانی نظری**، انتشارات راهیان، اصفهان.
۱۸. ----- (۱۳۸۷)، **شهر و معماری اسلامی - عینیات و تجلیات**، انتشارات مانی، اصفهان.

19. Chapra, Umar (2008), "IbnKhalidun's theory of development: Does it help explain the low performance of the present-day Muslim world", Journal of socio – economics, No 37.
20. Giere, Alfred (2001), "Ibn Khaldun on Solidarity ("As-abiyah") - Modern Science on Cooperativeness and Empathy: a Comparison", Philosophia Naturalis.No 38.
21. Norberg-Schulz, Christian (1986), "The Architecture of Unity. In Architectural Education in the Islamic World", Ahmet Evin, ed. Singapore, Concept Media/ Aga Khan Award for Architecture.
22. Pusic, Ljubinko (2004), "Sustainable Development & Urban Identity: A Social Context", Spatim, No 24.
23. Rabi' M. M (1967), "The political theory of IbnKhalidun", Leiden, Brill
24. Sabit Haji Mohammad, Mohammad Tahir (2010), "Principles of sustainable development in IbnKhalidun's economic thought", Malaysian Journal of Real Estate, No 5.